

تفسیر سوره
حجرات

تألیف: سید قطب

ترجمہ: عثمان ایزد پناہ

Qutb, Sayyid

قطب، سید، ۱۹۰۶ - ۱۹۶۶ م

تفسیر سوره حجرات / تألیف سید قطب، ترجمه عثمان ایزدپناه. --

تهران : افق علم، ۱۳۸۳.

۷۳ ص.

ISBN: 964-95688-0-8

کتاب حاضر ترجمه بخشی از کتاب "فی ظلال القرآن" است.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیما.

۱. تفاسیر (سوره حجرات). الف. ایزدپناه، عثمان، ۱۳۴۳ -

مترجم. ب. عنوان.

ت ۷ / ۱۰۲ / ۸۲۷ BP ۲۹۷ / ۱۸
۱۳۸۳

۸۳-۴۳۱۱۹ م

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب : تفسیر سوره حجرات

تألیف : سید قطب

ترجمه: عثمان ایزد پناه

ناشر : نشر افق علم

قطع : رقعی

تعداد صفحات : ۷۳

چاپ : اول ۱۳۸۳

تیراژ : ۳۰۰۰ جلد

قیمت ۶۰۰ تومان

فهرست مندرجات

عنوان	صفحه
مقدمه مترجم	۱
مقدمه	۳
به وجد آوردن دل‌ها با ندایی محبوب	۱۴
تاثیر شگرف ندای محبوب «یا ایُّها الذین آمنوا» بر یاران رسول خدا ﷺ	۱۷
تقوا؛ هدیه‌ی الهی	۲۲
جایگاه رهبری و احترام نسبت به او	۲۵
راهکار ایمانی برای فرو نشاندن آتش جنگ میان مسلمانان	۳۴
پاسداری از کرامت انسانها	۴۰
راه سلامت روانی جامعه	۴۴
ملاک برتری انسان‌ها نزد خدا	۵۳
حقیقت و ارزش ایمان	۵۶
نعمت ایمان و نقش آن در بینش و منش انسان	۶۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

موضوع قرآن کریم، «انسان» است و هدف آن، «هدایت انسان». این حقیقت در تمامی آیات و سوره‌های قرآنی می‌درخشد. در دومین سوره‌ی قرآن کریم آمده است که:

«الَمْ، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ، هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ.» (الف، لام، میم. این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست: [و] مایه‌ی هدایت تقوایندگان است.

در مجموع، آیات قرآنی یا بیش انسان را پایه‌ریزی می‌کنند یا به منش او می‌پردازند. شخصیت واقعی انسان هم تنها زمانی بروز و ظهور پیدا می‌کند که این دو بُعد وجودی او تکامل یابند. نمی‌توان هیچ یک از سوره‌های قرآن را از این امر مستثنی دانست. اما برخی از سوره‌ها روی مطالبی تأکید کرده‌اند که آنها را از دیگر سوره‌ها متمایز می‌کند.

سوره‌ی حُجُرَات یکی از این سوره‌ها است که مهمترین نکات اخلاقی و اجتماعی اسلام را در آیات اندک خود جای داده است.

بدون تردید، اگر جامعه‌ی مسلمانان در سایه‌ی ایمان و تقوا، این دستورات حیات بخش الهی را در زندگی خویش عملی کنند، جامعه‌ای پاک، سالم، استوار و پایدار خواهند داشت و در سایه‌ی نعمت ایمان و اسلام به آرامش و خوشبختی دست می‌یابند.

از آن جا که استاد شهید «سید قطب» خود زیستن در سایه‌ی قرآن را تجربه کرده است و در زیر همین سایه‌ها با بیان نفوذ و جذاب خویش، مرواریدهای گران بهایی را از اعماق اقیانوس بی‌کران آیات قرآنی برگرفته است، بر آن شدم که با ترجمه‌ی این کتاب، شیفتگان قرآن و سایر مسلمانان را با این منبع نور و روشنایی آشنا کنم. باشد که از آن استفاده‌ی شایان ببرند و در کارنامه‌ی اعمال من هم، مقبول درگاه حق واقع شود.

شایان ذکر است که در ترجمه‌ی آیات از تفسیر «نور» اثر استاد ارجمند، دکتر مصطفی خرم دل - باندکی تصرف در برخی موارد - بهره گرفته‌ام.



عثمان ایزد پناه

سردشت ۱۳۸۳/۹/۱۷ هـ.ش

مقدمه

این سوره که هیجده آیه بیش نیست، سوره‌ای باشکوه است و حقایق بزرگی از عقیده، شریعت، هستی و انسانیت را در بر می‌گیرد. حقایقی که کرانه‌های بلند و زمانهای دوردست را فرا روی عقل و قلب آدمی می‌گشاید و عواطف و احساساتی عمیق و معانی باشکوهی را در ذهن و قلب او به وجود می‌آورد. همچنین شامل برنامه‌ها، اصول و قواعد اصلاح و تربیت، سامان‌دهی زندگی انسانها، اصول قانون‌گذاری و هدایت است که صدها برابر بیش از حجم آیات سوره و شمار آنها است!

این سوره، دو موضوع بزرگ را فرا روی انسانها نمایان می‌سازد تا در آنها به تفکر و تدبیر پردازند:

اولین چیزی که با مطالعه این سوره به نظر می‌رسد این است که تقریباً به تنهایی علایم و نشانه‌های کامل یک جامعه سالم و ایده‌آل را بنیان می‌نهد و دربرگیرنده‌ی قواعد، اصول، مبادی، برنامه‌ها و روشهایی است که این جامعه بر آنها استوار است که اولاً: قوام و ماندگاری این جامعه، و ثانیاً: حفظ و

نگهداری آن را تضمین می‌کند. این جامعه از خدا سرچشمه گرفته و به سوی او در حال حرکت است و شایستگی انتساب به خدا را پیدا کرده است؛ جامعه‌ای که مردم آن پاک، با احساس، خوش‌زبان، خوش‌قلب و مهربان‌اند. این جامعه نسبت به خدا و رسولش دارای «ادب» خاصی است و باخود، دیگران، تصوّرات و اندیشه‌های درونش و حتی حرکت اعضای بدنش از ادب و ویژه‌ای برخوردار است، و در عین حال، دارای برنامه و شریعتی است که اوضاع و احوالش را سر و سامان می‌دهد. هم‌چنین از نظم و ترتیب و مقرراتی برخوردار است که حفظ و نگهداری آن را بیمه می‌کند. این برنامه‌ها و مقررات نیز بر اساس این «ادب» استوارند و از آن نشأت گرفته‌اند و با آن هماهنگ‌اند و اینچنین، ظاهر و باطن این جامعه و برنامه‌ها و احساساتش با هم جمع شده و به هم می‌پیوندند و جاذبه‌ها و دافعه‌هایش متعال می‌شوند. در این جامعه احساسات و گام‌ها هماهنگ شده و رو به درگاه خدا نهاده و به سوی او در حال حرکت‌اند. از این رو، تداوم و نگهداری این جامعه باشکوه، سالم و پاکیزه، تنها به وجدان آدمیان و پاکیزگی احساس و نظم و قانون و مقررات واگذار نمی‌شود؛ بلکه همه‌ی این جوانب با هم تلاقی و پیوند می‌یابند. هم‌چنین این جامعه، نه به احساس فرد و تلاش و کوشش وی وابسته است و نه به قوانین و مقررات و اقدامات دولت؛ بلکه فرد با جامعه و جامعه با فرد یکی می‌شوند و مسئولیت‌ها، وظایف و فعالیت‌شان با هماهنگی، تعاون و

همیاری، تلاقی پیدا می‌کند.

این جامعه در ارتباط با خدا و رسول خدا ﷺ، تابع «ادب» خاصی است. این «ادب» با فهم حد و حدود بنده در مقابل پروردگار و فرستاده‌ای که مبلغ پیام اوست، نمایان می‌شود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر خدا و پیغمبرش پیشی مگیرید و پیشدستی مکنید، و از خدا بترسید و پروا داشته باشید، چرا که خدا شنوای (گفتارتان و) آگاه (از کردارتان) می‌باشد.

از این رو، انسان مؤمن در هیچ امر و نهی نباید از فرمانروا و فریادرسش، پیشی جوید و نباید در هیچ فرمان و قضاوتی، پیشنهادی را به او عرضه نماید و از او امر و نواهی او پافراتر نهد و در برابر او، خواست و اراده و نظری برای خود قایل شود... آنچه که هست، تقوا و خوف و خشیت از خدا و حیا و شرم و احترام نسبت به ذات اقدس اوست.

هم‌چنین، این جامعه در مخاطب قرار دادن رسول خدا ﷺ و احترام گذاشتن وی دارای «ادب» خاصی است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ، وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ، أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» (۲). إِنَّ

الَّذِينَ يَعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ
 لِلتَّقْوَى، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ. (۳) إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ
 أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۴). وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ
 غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر خدا و پیامبرش پیشی نگیرید، از خدا بترسید و پروا داشته باشید، چرا که خدا شنوا و آگاه است. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را از صدای پیغمبر بلندتر مکنید و آن‌گونه که با یکدیگر سخن می‌گویید، با او با صدای بلند سخن مگوئید، تا نادانسته اعمالتان بی‌اجر و ضایع نشود. آنان که صدای خود را نزد پیغمبر خدا پایین آورده و آهسته صحبت می‌کنند، کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را برای پرهیزکاری پاکیزه و ناب داشته است. ایشان آمرزش و پاداش بزرگی دارند. بی‌گمان کسانی که تو را از بیرون اتاق‌ها می‌خوانند، اغلب ایشان نمی‌فهمند (که تو چه مقام والایی در پیش خدا داری و باید با تو، محترمانه رفتار کنند). اگر آنان تحمل کنند تا تو بیرون بیایی و به پیش ایشان بروی برای آن‌ها بهتر خواهد بود. خداوند آمرزگار و مهربان است.

جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ای است که در بررسی گفتارها و کردارها و مطمئن شدن از منابعشان - قبل از صادر کردن هر گونه حکمی درباره‌ی آن‌ها - دارای روش و برنامه‌ای ویژه است. این روش نیز، متکی بر تقوای الهی و ارجاع کارها به رسول خدا ﷺ است، بدون این که بر او پیشدستی شود یا پیشنهادی مطرح گردد که بدان فرمان نداده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَبَيِّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (۶) «وَأَعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ، لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ، أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (۷)، «فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً، وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری را به شما رساند درباره‌ی آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی بدون آگاهی آسیب برسانید، و از کرده‌ی خود پشیمان شوید. بدانید که پیغمبر خدا در میان شما است. هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد. اما خداوند ایمان را در نظرتان گرامی داشته است و آن را در دل هایتان آراسته است، و کفر و نافرمانی و گناه را در نظرتان زشت و ناپسند جلوه داده است، فقط آنان (که ایمان در نظرشان محبوب و کفر و فسوق در نظرشان منفور و مطرود است) رهایی‌بند و بس. این، لطف و نعمتی از سوی خداست (که بدانان ارزانی داشته است) و خداوند دارای آگاهی فراوان و فرزانی بی‌شمار است (و می‌داند چه کسی شایسته‌ی هدایت، و بایسته‌ی مرحمت و نعمت است).

جامعه‌ی اسلامی جامعه‌ای است که برای رویارویی با اختلافات، فتنه‌ها و آشفتگی‌هایی که اگر راه چاره‌ای برایشان یافت نشود. آن را دچار از هم گسیختگی خواهند کرد، دارای قوانین و مقررات و اقدامات عملی منحصر به فردی است:

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَجَاثِلُوا إِلَيْهَا تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ، فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْقَدْلِ وَأَقْسِطُوا، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. (۹) إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (۱۰)

هر گاه دو گروه از مؤمنان به جنگ پرداختند، در میان آنان صلح برقرار سازید. اگر یکی از آنان در حق دیگری ستم کند و تعدی ورزد (و صلح را پذیرا نشود). با آن دسته‌ای که ستم می‌کند و تعدی می‌ورزد بجنگید تا زمانی که به سوی اطاعت از فرمان خدا برگردد و حکم او را پذیرا شود. هر گاه بازگشت و فرمان خدا را پذیرا شد، در میان ایشان دادگرانه صلح برقرار سازید و (در اجرای مواد و انجام شرایط آن) عدالت به کار برید، چرا که خدا عدالت پیشگان را دوست دارد. فقط مؤمنان برادر یکدیگرند، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید و از خدا ترس و پروا داشته باشید، تا مورد رحمت قرار گیرید.

در این جامعه احساسات افراد نسبت به همدیگر دارای قوانین روانی خاصی است و در تعامل با یکدیگر نیز از قوانین رفتاری ویژه‌ای پیروی می‌کنند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ، وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ، وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ، بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». (۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروهی دیگر را استهزاء کنند،

شاید آنان بهتر از اینان باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را استهزاء کنند، زیرا چه بسا آنان از اینان خوبتر باشند، و همدیگر را طعنه نزنید و مورد عیبجویی قرار ندهید، و یکدیگر را با القاب زشت و ناپسند مخوانید. برای مسلمانان چه بد است، بعد از ایمان آوردن، سخنان زشت و گناه آلود گفتن و بر زبان راندن! کسانی که (از چنین اعمال و اقوالی) دست بر ندارند و توبه نکنند، ایشان ستمگرند.

در این جامعه با احساساتی پاک، حریم و حرمت انسان‌ها بیمه شده است و در سفر و در حَضَر از آن محافظت می‌شود و هیچ‌کس به خاطر بدگمانی، مورد تنبیه و مؤاخذه، قرار نمی‌گیرد. در چنین جامعه‌ای نقص و عیب انسان‌ها بر ملا نمی‌شود و امنیت، کرامت و آزادی‌شان مورد کوچک‌ترین تجاوز و تعدی واقع نمی‌شود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ، وَلَا تَجَسَّسُوا، وَلَا يَغْتَبَ بَغْضُكُم بَعْضًا. أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا؟ فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ، إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»! (۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، که برخی از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی و پرده‌دری نکنید، و از یکدیگر غیبت ننمائید؛ آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌ی خود را بخورد؟ به یقین همه‌ی شما از مرده‌خواری بدتان می‌آید (و از آن بیزارید، غیبت نیز چنین است و از آن بپرهیزید و) از خدا پروا کنید، بی‌گمان خداوند بس توبه‌پذیر و مهربان است.

چنین جامعه‌ای نسبت به وحدت و یک‌پارچگی بشریت که از نژادها و ملت‌های مختلف تشکیل شده است، دارای بینش و نظریه‌ای والا و مرفعی است. این جامعه از یک ملاک و معیار برخوردار است که همگی مردم را با آن ارزیابی می‌کند. این معیار، معیار خداست که از هر گونه عیب و نقص و آشفتگی بشری، مبرا است.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ، وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ، إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (۱۳)

ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حوا) آفریده‌ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید (و هر کسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در پیکره‌ی جامعه‌ی انسانی نقشی جداگانه داشته باشد) بی‌گمان گرامی‌ترین شما در نزد خداوند، متقی‌ترین شما است. خداوند مسلماً آگاه و با خبر (از پندار و گفتار شما، و از حال همه کس و همه چیز) است.

این سوره پس از عرضه این حقایق باشکوه که تقریباً به تنهایی علایم و نشانه‌های این جامعه والا و سالم و پاک را ترسیم می‌کند، به مشخص نمودن نشانه‌های ایمان می‌پردازد؛ ایمانی که مؤمنان برای برپایی چنین جامعه‌ی مبارکی، با نام و نشان آن خوانده شده‌اند و مورد تحسین و تشویق قرار گرفته‌اند تا دعوت خدایی را که با این توصیف زیبا آنان را برای انجام تکالیفش فرا می‌خواند، لَبیک گویند: «یا ایها الذین آمنوا...» این ندایی است

محبوب که اگر کسی از جانب خداوند با آن خوانده شود ولی آن را اجابت نکند، احساس شرم و پشیمانی به او دست می‌دهد. ندایی است که تحمل تکالیف دشوار و سخت را آسان می‌کند و هر دلی را به وجد می‌آورد که گوش فرا دهد و آن را اجابت نماید:

«قَالَتِ الْأَعْرَابُ: آمَنَّا. قُلْ: لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ. وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. (۱۴) إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، ثُمَّ لَمْ يَزْنُوا، وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۱۵). قُلْ: اتَّعَلَّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». (۱۶)

عرب‌های بادیه‌نشین می‌گویند: ایمان آورده‌ایم. بگو شما ایمان نیاورده‌اید. بلکه بگویید: تسلیم (ظاهری رسالت تو) شده‌ایم، چرا که ایمان هنوز به دل‌هایتان راه نیافته است. اگر از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کنید، خدا از یادداشت کارهایتان چیزی نمی‌کاهد. بی‌گمان خداوند آمرزگار و مهربان است. مؤمنان (واقعی) کسانی هستند که به خدا و پیغمبرش ایمان آورده‌اند، پس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده‌اند، و با مال و جان خویش در راه خدا به جهاد برخاسته‌اند. آنان (بلی آنان، در ایمان خود) درست و راست‌گویند. بگو آیا شما خدا را از ایمان خود با خبر می‌سازید در حالی که خدا از تمام چیزهایی که در آسمان‌ها و زمین است با خبر است؟! و خدا از همه چیز دقیقاً آگاه است.

این سوره، در پایان از شکوه و بزرگی هدیه‌ی الهی برای بشر پرده برمی‌دارد؛ هدیه‌ی ایمان که آن را به هر کس بخواهد - و بر اساس علم نامحدودش دارای شایستگی باشد - عطا می‌کند.

«يُمْنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ: لَا تَمْنُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمْنُ عَلَيْكُمْ أَنْ هَذَا كُمْ لِلْإِنْسَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۷) إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (۱۸)

آنان بر تو منت می‌گذارند که اسلام آورده‌اند، بگو: با اسلام آوردن خود بر من منت نگذارید، بلکه خدا بر شما منت می‌گذارد که شما را به سوی ایمان آوردن رهنمود کرده است، اگر (در ادعای ایمان) راست و درست هستید. خداوند رازها و نهانی‌های آسمان‌ها و زمین را می‌داند، و او می‌بیند، آنچه را که انجام می‌دهید.

دومین چیزی که در خلال این سوره و با مراجعه به اوضاع و شرایط همزمان نزول آیات آن به نظر می‌آید، تلاش بزرگ و منظمی است که از لایه لایه راهنمایی‌های قرآن کریم و تربیت حکیمانه‌ی نبوی برای تشکیل و تربیت آن جماعت مسلمان، می‌درخشد. جماعتی که نماینده‌ی آن جامعه‌ی بلندپایه و پاک و پاکیزه است؛ جماعتی که روزگاری بر روی این کره‌ی خاکی پا به عرصه‌ی وجود نهاد. از آن زمان به بعد دیگر به عنوان یک نظریه‌ی ایده‌آلیستی و رؤیای غیر واقعی تلقی نمی‌شود که تنها در دنیای خیال وجود داشته باشد!

این جماعت نمونه که در یکی از برهه‌های تاریخ، حقیقت عینی پیدا کرد، از سر تصادف به وجود نیامده و ناگهانی سر بر نیاورده است. هم‌چنین زاده‌ی یک دم سحرآمیز و معجزه‌آسا نبوده که در یک چشم به هم زدن، طبیعت اشیاء را دگرگون نماید، بلکه بسان درخت بلندی که ریشه در خاک دوانیده است، آرام آرام به رشد طبیعی‌اش ادامه داده و در این راه، نیازمند توجه مداوم، صبر طولانی و تلاش آگاهانه برای اصلاح و تربیت، راهنمایی و تقویت و تثبیت گام‌هایش بوده است.

این جماعت، به رنج و محنت تجربه‌های تلخ و واقعی و آزمایش‌های سخت و جانکاهی نیاز پیدا کرد و مسلمانان می‌بایستی از همه‌ی آن‌ها درس عبرت می‌گرفتند. در تمامی این تجارب و آزمایش‌ها و امتحان‌ها، خداوند سرپرستی این جماعت برگزیده را عهده‌دار بود، تا این امانت بزرگ را بر دوش نهد و خواست و مشیت خدا به وسیله‌ی آن در زمین تحقق پیدا کند. البته این سرپرستی با فضیلت‌ها، توانایی‌ها و استعدادهای نهفته در این نسل و اوضاع و شرایط آماده برای آن، به طور یکسان همراه بود. این‌چنین، آن پرتو شکفت‌انگیز در تاریخ بشریت تابیدن گرفت. آری! این حقیقت بسان رؤیایی که در دنیای خیال جَوَلان می‌کند، تحقق پیدا کرد.

